



روان شناسی طلاق



گردآوری و تالیف:

حسین ابوذری

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

دکتر پروانه رشیدپور

(روانپزشک) عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

سرشناسه	ابوذری، حسین، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	روان‌شناسی طلاق/گردآوری و تالیف حسین ابوذری، پروانه رشیدیپور.
مشخصات نشر	تهران: نسل روشن، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۸۲ ص.
شابک	۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۶-۶۵-۶۶۷۶-۶۲۷-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	فبیا
موضوع	طلاق - جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	Divorce - Psychological aspects:
شناسه افزوده	رشیدیپور، پروانه، ۱۳۶۴-
رده بندی کنگره	HQ۸۱۴:
رده بندی دیویی	۱۵۵/۹۳:
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۳۵۸۵۱:

روان‌شناسی
طلاق



نام کتاب: روان‌شناسی طلاق

ناشر: انتشارات نسل روشن

نویسنده: حسین ابوذری - دکتر پروانه رشید پور

صفحه‌آرایی - طراحی جلد: علیرضا زمانی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۶-۶۵-۶

تمامی مسئولیت‌ها و حقوق مادی این اثر متعلق به نویسنده می‌باشد.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از اثر را به صورت چاپ، فتوکپی و... را ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست مطالب

۹ ■ ■ ■ پیشگفتار

۱۰ ■ ■ ■ فصل اول: طلاق

۲۷ ■ ■ ■ فصل دوم: طلاق از دیدگاه روان‌شناسی

۴۰ ■ ■ ■ فصل سوم: آثار مخرب طلاق بر مردان و زنان مطلقه

۵۳ ■ ■ ■ فصل چهارم: معنای طلاق در مشاوره و روان‌شناسی

۵۸ ■ ■ ■ فصل پنجم: نظریه‌های طلاق

۷۱ ■ ■ ■ فصل ششم: اثرات روانی طلاق بر کودکان و نوجوانان

پیشگفتار

ازدواج یکی از بارزترین و مقدس‌ترین وقایع و فعالیت‌ها در زندگی اکثر بزرگسالان است که نه تنها مورد پذیرش و تأیید اقوام و ملل مختلف در دنیا است، بلکه از جانب تمامی ادیان آسمانی نیز مورد کید واقع شده است، چنانچه در دین مقدس اسلام ازدواج به عنوان یکی از ارکان دین و حافظ نیمی از دین معرفی شده است. در فرهنگ ما نیز ازدواج سنه نه ساینده است که نه تنها خانواده‌ها، بلکه بیشتر جوانان هم، چه پسر و چه سران را دوست دارند و انتظار دارند که در سن و موقعیت مناسب ازدواج کنند با شکر خانواده از دروازه ورود به دنیای بزرگسالی و استقلال بگذرند. در عین حال رسیدن به استقلال با خود مسئولیت‌هایی هم به همراه می‌آورد. با تشکیل خانواده جدید، جوان دیگر خود را تنها فردی از خانواده اولیه‌اش نمی‌داند. در جامعه ما، ازدواج بیشتر از آن‌که عقلانی باشد، سنتی یا احساسی است. دختران و پسران اغلب یا بنا بر رسم جامعه و به عنوان بخشی از روند زندگی‌شان

به ازدواج تن می‌دهند یا بدون مطالعه و آگاهی کافی با تکیه بر احساسات و بدون دقت در ابعاد گوناگون اخلاقی، جسمی و روانی با یکدیگر ازدواج می‌کنند. پس از تشکیل خانواده هم در صورت به وجود آمدن تعارض‌های زناشویی، به دلیل بی‌اطلاعی و ندانم‌کاری، به این مشکلات دامن می‌زنند. در حقیقت زوج‌های جوان ما در مرحله‌آشنایی پیش از ازدواج، به جای آن‌که با تفکر، احساسات منطقی و شعور تصمیم بگیرند، با فکر و احساسات والدین‌شان تصمیم می‌گیرند، چون آموزش درستی در این باره ندیده‌اند. مراجعه به مشاور براحتی می‌تواند آنچه را که نیاز دارند به آنها بیاموزد.

در دنیای امروز، به‌ضلات اجتماعی مانند افزایش نرخ طلاق و گسترش اضطراب در میان جوانان، این روزها مورد بحث رسانه‌های همگانی و موضوع بسیاری از همایش‌ها و سمینارها در سراسر کشور قرار گرفته و بسیاری از آنها حاوی آمارهای بسیار تکان‌دهنده است. بی‌تردید افزایش دامنه‌آفت‌های جامعه که باید دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی کشور را به تامل و چاره‌اندیشی اساسی وادارد، معلوم نیست. برای تجهیز و مقابله با این پدیده‌های ناهنجار، ابتدا باید علل و ریشه‌های به‌زاین مساله مهم را شناسایی کنیم، در غیر این صورت هر راه‌حلی اگرچه با صرف هزینه‌های زیاد، بی‌تاثیر خواهد ماند. به این ترتیب، درخواست طلاق هنگامی که در می‌شود که هرگونه امید و تلاش برای دستیابی به کانون گرم زندگی مشرب بی‌پاسخ می‌ماند و واقعیت‌هایی رخ می‌دهد که دستیابی به آرزوها را ناممکن می‌سازد و آنگاه تنها راه‌رهایی به جدایی ختم خواهد شد. اما روان‌شناسان معتقدند زندگی مجموعه‌ای از افتادن‌ها و برخاستن‌ها، لذت‌ها و تلخکامی‌ها، خواب‌ها

و بیداری‌های هدفدار است، این که تصور شود همه امور باید موافق میل و خواسته ما تحقق پذیرد، تصویری اشتباه است.

در هر خانواده ای اختلاف نظرو سلیقه وجود دارد و هر انسانی ذوق و سلیقه ای مخصوص به خود دارد. اما برای دستیابی به آرامش باید این ذوق و سلیقه را به هم نزدیک کرد، زیرا انسان‌ها تنها در سایه توافق‌ها می‌توانند در کنار هم زندگی کنند نه اختلاف‌ها. از سوی دیگر، در زندگی مشترک بی‌اعتنایی به پیمان زندگی، خود راهی‌ها و تنگ نظری‌ها، بی‌حوصلگی و بی‌توجهی به سرنوشت یکدیگر، اختلاف در سلیقه‌ها، فزون طلبی‌ها، تنوع جویی‌ها، عدم رعایت وظایف فرد است. نه همتی را می‌آفریند و این پایان مشکلات نیست، بلکه سرآغاز ویرانی است و معضلات جدید را به وجود می‌آورد.

آمار رسمی طلاق نشان دهنده میزان ناکامی زوجین در زندگی زناشویی نیست. این آمار شامل افرادی که از یک‌دیگر جدا زندگی می‌کنند، اما به طور قانونی طلاق نگرفته‌اند، نمی‌شود. علاوه بر آن، افراد زیادی وجود دارند که از زندگی مشترک خود راضی نیستند، اما به دلایل مختلف از هم جدا نمی‌شوند. آنها نگران پیامدهای عاطفی، مالی، اجتماعی و فرهنگی طلاق هستند و ترجیح می‌دهند به خاطر فرزندان‌شان به زندگی مشترک ادامه دهند. این ترتیب آمار رسمی طلاق در جامعه درصد ناچیزی از تعداد خانواده‌هایی که در شرایط طلاق عاطفی به سر می‌برند را نشان می‌دهد.

کارشناسان معتقدند عوامل مختلف اجتماعی در افزایش میزان طلاق نقش دارد. به اعتقاد آنها به تدریج که زنان از نظر اقتصادی مستقل می‌شوند آمار طلاق نیز افزایش می‌یابد. با افزایش سطح درآمدها زنان مجبور به تحمل

نارسایی‌های زندگی مشترک برای تامین مایحتاج اولیه زندگی خود نیستند. معمولاً بیشتر ازدواج‌ها بر پایه عشق و علاقه صورت می‌گیرد، اما همیشه آینده مطابق با آن چه فکر می‌کنیم پیش نمی‌رود و گاهی در زندگی مشترک اتفاقاتی رخ می‌دهد که باعث می‌شود به ناگاه تمام تصورات ما فرو بریزد. در این شرایط اگر دو طرف نتوانند بنا به شرایطی که وجود دارد از هم جدا شوند، ناچار مجبور خواهند شد با سخت‌ترین شرایط تا پایان عمر، زندگی خود را با طلاق عاطفی سپری کنند.

تفاوت‌های فرهنگی یک اصل مسلم غیرقابل انکار است که برای نظام اجتماع و طبیعت عربی است و به پیروی از این اصل طبیعی اگر هم بین زن و شوهر اختلاف وجود داشته باشد، این اختلاف‌ها می‌تواند با گذشت و چشم‌پوشی برطرف شود. در حالی که اگر آن فاصله زیاد شود عوارضی متوجه زن و مرد و فرزندان می‌شود و البته اگر بالا نرود جدایی رخ دهد به خصوص در ایران بیشترین عوارض جدایی را زن تحمل می‌شود. آن هم به دلیل نوع نگاه جامعه به قشر زن، محدودیت‌های اجتماعی و نوع نگاه مردان به زنان مطلقه، که آنها را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد که به همین دلیل هم بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند به زندگی مشترک ادامه دهند. با توجه به این‌ها روانی و اجتماعی بعد از طلاق مواجه نشوند. امروزه طلاق عاطفی به ندرت ای فراگیر در کشور ماست، مساله ای که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات مالی، اجبار خانواده‌ها و عوامل دیگری که اجازه جدایی زن و شوهر را نمی‌دهد، خانواده‌های زیادی را وادار می‌کند در شرایطی که زن و مرد از نظر روانی علاقه ای به ادامه زندگی مشترک ندارند، پس از یک دوره طولانی دعوا و

کشمکش، از مرحله دشمنی و تنفر عبور کنند و به وضعیت بی تفاوتی برسند. به اعتقاد وی بی تفاوتی آخرین مرحله روابط بین زن و شوهر است که در آن اصل بود و نبود همسر فرقی برای زوجین نمی‌کند بلکه مسائل جنبی دیگر زندگی از جمله مسائل مالی و امنیت اجتماعی زن است که احساس نیاز به همسر، شکل می‌دهد.

در چنین شرایطی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و موجب به وجود آمدن ارتباطات خارج از چارچوب خانواده می‌شود. ضمن آن که به گفته آری، مرحله طلاق عاطفی اگرچه زوجین در زیر یک سقف زندگی می‌کنند، ولی به اصطلاح عامی و اجتماعی جدا هستند و در همین زمان اغلب انحرافات و آسیب‌های اجتماعی رخ می‌دهد. در این کتاب مولفان بر روان‌شناسی طلاق و آثار و پیامدهای آن در جامعه پرداخته‌اند.